

نقش طبیعت در خلاقیت‌های هنری ایرانیان (قسمت دوم)

نیاکان ما زندگی بدون جانوران را بی معنی می دانستند

دکتر اسماعیل کهرم



که چه به روز شیر ایرانی آمد. در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه فرزند ایشان با نام مسعود میرزا که کاخ مسعودیه در میدان بهارستان منزلگاه وی در تهران بوده است و لقب ظلل السلطان را یدک می کشید برای شکار یک قلابه شیر ژیان، ده هزار تومان جایزه تعیین کرد! حقوق یک سرهنگ ارتش در آن زمان دو تومان در ماه بود! جناب ایشان حسرت به دل مانده و شیر را شکار نکرد که نکرد درحالی که در تهیه مقدمات انقراض ببر مازندران سهم به سزایی داشت. او در خاطرات خود می گوید امروز روز خوبی بود، در میانکاله ۳۵ قلابه ببر شکار کردیم. البته به این آمار ۶۰۰۰ قراول، ۱۵۰ راس گوزن، گاو میش و ۱۸ پلنگ را اضافه فرمایید! شیر در همه دنیا مظهر قدرت و نماد صداقت بوده است. هم اکنون هم نقش شیر علامت و نماد بسیاری از کشورها، ملت ها و یا ایالات در جهان است. واژه ی شایر (shire) که در پایان نام بسیاری از ایالات انگلستان آمده است مانند همپشایر، یورکشایر، آبردین شایر از کلمه شیر فارسی گرفته شده است. شیر در تخت جمشید یا در حال دریدن و درهم شکستن یک گاو نشان داده می شود که می توان قدرت پنجه های شیر را روی بدن گاو حس کرد یا به دست سلطان کشته می شود که نمایانگر قدرت سلطان است که حتی شیر ژیان را نیز درهم می شکنند. بعدها اقوام گوناگون ایرانی تندیس شیر نر را روی قبر اشخاص شاخص و برجسته جامعه خود می گذاردند که هنوز هم پابرجاست. حتی امروزه هم مردم از تندیس شیر، مانند شیر سنگی همدان مدد و حاجت می طلبند. در فرهنگ مردم هنوز هم شیر مظهر اقتدار، زیبایی و وقار است و وقتی همراه اسمی به صورت صفت ذکر می شود به معنی بزرگ و عظیم است. شیرکوه، شیررود، شیرپلا... بصورت گذرا ذکر می کنیم که شیر ایرانی که با نام علمی Panthera leo Persica در جهان شناخته می شود که اکنون در جنگل گیر (Gir) هندوستان زندگی می کند و ۴۰۰ قلابه از آن زنده است. در حالی که در ایران دیگر وجود ندارد. نقش انواع پرندگان روی بشقاب ها و ظروف سفالین و نیز شهرهای خصوصی نقش بسته است. این

دلبستگی و توجه هخامنشیان به جانوران فراتر از جنبه های کاربردی آنان بوده است البته اسب نمودار تحرک لشگریان و برتری آنان نسبت به سپاهیان متجاوز بوده و همواره اسب های خوب و راهوار در قلب پادشاهان و نیز سپاهیان جای داشته است. اسب های خوب در وصف نعماتی که خداوند به این کشور ارزانی داشته مورد ستایش قرار گرفته اند. اعراب سوارکاران را هنوز "فارش" می نامند. با اینکه اسب عربی شهرت بیشتری یافت. در دیوارهای سنگی تخت جمشید، نقش نوعی اسب حکاکی شده است که به محازات سینه مردان است و به طور مینیاتور نقش بسته است. ابتدا تصور می رفت که هنرمند هخامنشی به عمد و به منظور تناسب با اندام سربازان این اسب ها را به صورت کوچکتر حکاکی کرده است ولی با کارهای علمی که درباره ی استخوان های باقیمانده این اسب ها در ایران انجام شد و به نام اسب چه خزر در دنیا شهرت دارند. هم اکنون در حوالی ترکمن صحرا و نیز در انگلستان این اسب ها تولید مثل می کنند و در میان علاقه مندان به اسب شهرت و محبوبیت فراوان دارند. نقش شیر ژیان بارها در تخت جمشید حکاکی شده است. از قضا اهالی استان فارس تا همین اواخر (۱۳۲۴ شمسی) با شیر مانوس و آشنا بودند.

در منطقه ای به نام دشت ارژن در ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی شیراز که اکنون تالاب مهم و بین المللی ارژن در آن قرار دارد، یکی از مهم ترین زیستگاه های شیر ایرانی بوده است. در گذشته در این تالاب ها (تالاب های ارژن) جمعیت فراوانی از گرازها زندگی می کردند که خوراک اصلی شیر ژیان ایران بود. با خشک کردن این تالاب ها و تبدیل تدریجی آن به زمین های کشاورزی جمعیت شیرها روبه کاهش گذاشت. شکار بی رویه نیز نقش مهمی در کاهش جمعیت شیرها داشت. شاهرادگان ذکور قاجار برای نمایش مردانگی و تهور خود در سنین بلوغ (۱۴ یا ۱۵ سالگی) از پدر و لله خود می خواستند که به شکار شیر بروند. باتوجه به کثرت نوادگان شاهان قاجار می توان حدس زد



بارزشی از این تپه‌ها بدست آمده که دکتر عزت‌الله ننگهان در کتاب بارزش خود مارلیک (۱۳۴۳) شرح آن را داده است. نقش‌های این جام زرین در چهار ردیف برجسته کاری شده، در ردیف پایین مرحله اول زندگی بزکوهی را نشان می‌دهد که در حال خوردن شیر از پستان مادر است. در ردیف بالاتر بزکوهی جوان در حال خوردن از سرشاخه گیاهان نقش بسته. در ردیف بالاتر و مرحله سوم زندگی بزکوهی توسط گرازها احاطه شده و بالاخره در مرحله چهارم بزکوهی که در مرحله حمله گرازها کشته شده و نعش آن به توسط کرکس‌ها مورد حمله قرار گرفته نقش سر میمونی به عنوان ناظر و یا راوی این قصه به کار گرفته شده است.

این‌ها جانورشناسان پیشرویی هم بودند! در ردیف پایین عمر گراز هم به پایان رسیده و کرکس‌ها بر او گرد آمده‌اند. به راستی نام افسانه زندگی زیننده این جام ساخته شده از طلای ناب است. البته آثار مختلفی را می‌توان انتخاب کرد و در مورد آنان سخن گفت ولی اینها شایان‌ترین نمونه استفاده از طبیعت در هنر ایرانیان است که به‌طور انتخابی به آنها می‌پردازیم. در زمان ساسانیان نیز این نگرش به طبیعت و جاودانه کردن آن تکامل یافت. صحنه شکار خسرو دوم پادشاه ساسانی در طاق‌بستان به‌راستی شگفت‌انگیز است. هرگاه که به این حکاکی بی‌نظیر نگاه می‌کنیم تصور می‌کنیم که هنرمند ساسانی با ذهن خود عکسی از این صحنه شکار گرفته و دست‌های پرتوان او این عکس را ظاهر کرده و برای هزاره‌ی ما جاودانه کرده است. به‌راستی آنچه که در طاق‌بستان می‌بینیم یک لحظه را نشان می‌دهد یک لحظه از شکارگاه ولی اگر با وسایل و فنون امروزی هم بخواهیم این لحظه را ثبت کنیم بهتر از این عمل نخواهیم کرد. مثلاً برای ثبت آنچه که در این شکارگاه می‌گذرد می‌توان با یک دوربین فیلم‌برداری کرد ولی شاید ۱۰ الی ۲۰ دقیقه لازم باشد تا همه وقایع ثبت شوند. هنرمند ساسانی روند پیش آمده در تمام پهنه شکار را در یک لحظه و یک آن نمایش می‌دهد.

در وسط تصویر پادشاه در حال شکار است. ولی درون قایقی با همراهان قرار دارد. گروه چنگ‌نوازان، موسیقی متن را می‌نوازند. ملازمین تیرهای سلطان را به زه و آماده می‌کنند و به او می‌دهند. دسته‌های گوزن زرد ایرانی از مقابل تیر سلطان می‌گریزند و برخی آماج تیر قرار می‌گیرند. دسته‌های گراز در میان نیزار دیده می‌شوند. فیل سواران شکار را رزم می‌دهند. کلیه جانوران در این سنگ برجسته برای جانورشناس امروزی و حتی شخص غیرمتخصص قابل شناسایی هستند. لحظات گوناگون خسرو دوم را روی اسب در حال رهبری دسته شکارچیان گوزن (زرد ایرانی) و نیز شکار گرازهای تنومند با تیروکمان نشان می‌دهد. در صحنه دیگر وی سوار بر اسب است و شخصی سایبان چتر مانند را بر سر او گرفته. این نقش برجسته در سال ۵۰۰ میلادی یعنی بیش از ۱۵۰۰ سال قبل به دست هنرمندان ساسانی جاودانی شده است. محل کنونی شکارگاه در اطراف تالاب معروف هشیلان است که به وضع و حال گذشته نیست. قابل ذکر است که گوزن‌های شاخ‌پهن که در حکاکی مشاهده می‌شوند روزی روزگاری در بین‌النهرین و غرب ایران به وفور یافت می‌شدند ولی در اثر تخریب زیستگاه و فشار شکار از بین رفتند. اکنون فقط تعداد کمی (حدود ۴۰۰ راس) در ایران زندگی می‌کنند. این بحث را در شماره‌های آینده پی خواهیم گرفت.



نقوش نمایانگر آن هستند که ذهن اجداد ما از مظاهر طبیعت حتی بیش از انسان‌ها و نقش آنان، اشباع بوده است. آنان می‌دانستند که بدون سایر جانوران زندگی معنی ندارد. شاید حرف‌هایی برای گفتن و آموزش دادن به ما، برای نسل ما دارند که باید به آنها توجه داشت. باید از نیاکان خود اهمیت دادن به طبیعت را یاد بگیریم. هنوز ارتباط ما با گیاهان و جانوران از بین نرفته و کماکان وابسته و محتاج به آنان هستیم ولی بینش

اسب‌چه خزر در ترکمن صحرا
عکس: عباس جعفری



اجدادمان را نداریم. ژئوشناسان علوم انسانی و مطالعات
روند استفاده از مظاهر طبیعت در کار هنرمندان ایرانی همچنان ادامه می‌یابد. هنرمندان ایرانی به مرور مهارت بیشتر و دید جدیدی نسبت به طبیعت اطراف‌شان پیدا می‌کنند. نقش‌ها از روی سنگ به تدریج به روی اجسام دیگر منتقل می‌شوند. مثلاً با کسب مهارت در ساخت ظروف فلزی مانند برنز، نقره و طلا نقوش حیوانات روی این ظروف منتقل شدند و با مهارت بیشتر و جزئیات زیباتر جاودانه شدند. جام‌هایی که از تمدن‌های گوناگون با نقش جانوران برجای مانده‌اند موجب افتخار و اعتبار موزه‌های بزرگ جهان مانند آر میتاژ، لوور، موزه لندن و یا واشنگتن است. در میان جام‌های زرین جام، مارلیک از شهرت جهانی برخوردار است. این جام که به نام "افسانه زندگی" شهرت یافته در تپه مارلیک کشف شده است. تپه مارلیک یا چراغعلی تپه، تپه‌ای است سنگی که از سنگ‌های سولفات آهن تشکیل شده و آرامگاه‌های مارلیک بر روی این تپه ساخته شده بود. این تپه در ۱۴ کیلومتری مشرق-رودبار سه راه تهران به رشت است. این تمدن ۳۵۰۰ سال قدمت دارد! اشیای بسیار

ابتدا تصور می‌رفت که
هنرمند هخامنشی به‌منظور
تناسب با اندام سربازان
اسب‌ها را به‌صورت
کوچکتر حکاکی کرده است
ولی با کارهای علمی که
درباره‌ی استخوان‌های
باقیمانده این اسب‌ها در
ایران انجام شد و به‌نام
اسب‌چه خزر در دنیا شهرت
دارند. هم‌اکنون در حوالی
ترکمن صحرا و نیز در
انگلستان این اسب‌ها تولید
مثل می‌کنند